

## بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی

دکتر قربانعلی ابراهیمی<sup>۱</sup>

علی عسکری<sup>۲</sup>

محمدرضا نیک‌نژاد<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** بررسی مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی، موضوعی است که در جامعه ما، پژوهش‌های تجربی اندکی درباره آن صورت گرفته است. تحقیق حاضر قصد دارد برخی از عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. هدف این تحقیق، بررسی تاثیر متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی، نگرش عامیانه، پدیده پدرسالاری و دینداری بر گرایش زنان به حضور در ورزشگاه‌هاست.

**روش‌شناسی:** روش انجام این تحقیق، تجربی، پیمایشی است و تکنیک گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه است. جامعه آماری مورد مطالعه، دانشجویان دختر ساکن خوابگاه پردیس دانشگاه تربیت معلّم هستند. حجم نمونه، ۳۴۰ نفر است و داده‌های جمع‌آوری‌شده با نرم افزار SPSS و با استفاده از آماره‌های توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردید.

**یافته‌ها:** نتایج این پژوهش، حاکی از آن است، زنانی که از پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بوده‌اند، گرایش آن‌ها نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی نیز بیشتر بوده است. از طرف دیگر با افزایش باور به نگرش‌های عامیانه در ارتباط با ورزش زنان، گرایش آن‌ها نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی کمتر می‌شود؛ بدین معنی که باورهای عامیانه در مورد ورزش زنان و ضررهای ناشی از آن، مانعی مهم بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی تلقی می‌شود. همچنین یافته‌های این پژوهش، حکایت از آن دارد میزان مردسالاری حاکم بر خانواده‌ها تأثیر معناداری را بر مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی نشان نداده است.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این تحقیق، مشخص شده است که پایگاه اجتماعی، نگرش عامیانه و دینداری با نگرش زنان نسبت به حضور در ورزشگاه رابطه دارند.

**واژه‌های کلیدی:** جامعه‌شناسی ورزش، مشارکت ورزشی زنان، تماشای ورزش، ورزشگاه.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

۳. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه بوعلی سینا همدان

## مقدمه

ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی از مسائل مختلف جامعه تأثیر می‌پذیرد و گروه‌های مختلفی را به عنوان ورزشکار و تماشاچی زیر پوشش قرار می‌دهد (۱).

در جامعه کنونی، ورزش به عنوان امری انسانی - تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرد و در بین همه اقشار جامعه به سرعت در حال گسترش است (۲). با نگاهی گذرا به مسابقات مردان که امکان حضور زنان در آن‌ها فراهم بوده است، به نظر می‌رسد در هر مکانی که زنان به عنوان تماشاچی حضور داشته‌اند، نزاکت و انضباط بیشتری در میان ورزشکاران و هواداران حاکم بوده است. حال با توجه به تأثیر تماشاچیان در نشان دادن احساس غرور و ایجاد انگیزه در ورزشکاران به نظر می‌رسد حضور تماشاچیان زن در میدان‌های ورزشی، تأثیر مثبتی بر ورزشکاران و تماشاچیان خواهد داشت. ایمن‌سازی محیط‌های ورزشی از راه جلوگیری از رفتارهای پر خاشگرنه، خشونت‌آمیز و وندالیستی، ایجاد رفتارهای اجتماعی و تربیتی منطبق با اصول و سنت‌های پسندیده اسلامی و ملی و فرهنگ‌سازی در ورزشگاه‌ها، افزایش عمومی فرد بر اثر حضور تماشاچی علاقه‌مند، زنده کردن روح ورزش، فرهنگ‌سازی و یافتن الگوهای ورزشی مناسب و تقویت ورزش زنان از راه دیدن مسابقات برتر، عواملی برای بررسی امکان حضور زنان به عنوان تماشاچی در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان است. (۳)

مشارکت زنان در ورزش در مقام تماشاچی به عنوان عرصه‌ای که می‌تواند روحیه رقابت تیمی را تقویت نماید، یکی از حوزه‌هایی است که همواره محل مناقشه‌های آشتی‌ناپذیر بوده است. رویکردهای عامیانه، علمی و دینی هر کدام به نوعی این مسأله را مورد توجه قرار داده‌اند و نظرات متفاوتی ابراز داشته‌اند. با توجه به چند بُعدی بودن مسائل و پدیده‌های اجتماعی، بررسی این موضوع با رویکردهای مختلف علمی می‌تواند راهگشای پایان مناقشات و هموار نمودن مسیر گسترش فعالیت‌های ورزشی در بین شهروندان باشد. سال‌هاست که بحث ورود زنان به سالن‌های ورزشی مطرح است؛ ولی هنوز برای این مسأله تدبیری جامع اندیشیده نشده و حضور زنان در سالن‌های ورزشی جدی گرفته نشده است. در مقاله حاضر به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های اقشار مختلف در مورد حضور تماشاچیان زن و شناخت رشته‌های ورزشی‌ای که امکان حضور زنان در آن‌ها به عنوان تماشاچی فراهم است پرداخته شده است. (۳)

در همین راستا در پژوهش حاضر، سعی شده است تا با نگاهی جامعه‌شناسانه، عوامل مؤثر بر نگرش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی مورد بررسی قرار گیرد. چراکه بینش جامعه‌شناسانه به ورزش، امکان درک پیچیدگی‌های نحوه درگیری افراد در ورزش، موانع موجود در این راه و نحوه تأثیر روابط طبقاتی، جنسیتی و نژادی بر ورزش را فراهم می‌آورد و با ایجاد درک جامع‌تر، حل خلاقانه مسأله را امکان‌پذیر می‌کند.

## روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از روش پیمایش<sup>۱</sup> و از نوع مقطعی<sup>۲</sup> آن بهره‌مند گردیده است. از میان تکنیک‌های گردآوری اطلاعات از پرکاربردترین آن‌ها؛ یعنی، پرسش‌نامه<sup>۳</sup> خوداجرا استفاده شده است. پرسش‌نامه، تکنیک بسیار ساخت‌مندی برای گردآوری داده‌هاست که در آن از هر پاسخ‌گویی مجموعه یکسانی از پرسش‌ها پرسیده می‌شود (۴).

## جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دختر خوابگاهی پردیس دانشگاه تربیت معلّم تهران هستند. برآورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران صورت گرفت و حجم نمونه ۳۴۰ نفر است. نمونه‌گیری تحقیق به صورت تصادفی ساده انجام شده است، به این نحو که پس از تهیه لیست دانشجویان، پاسخ‌گویان با توجه به جدول اعداد تصادفی انتخاب شدند. سپس پرسش‌نامه‌ها توزیع شد و بعد از دو ساعت جمع‌آوری شد. و در نهایت داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد و نتایج استخراج گردید.

## آزمون‌های آماری

برای توصیف داده‌ها از آماره‌هایی مانند فراوانی و درصد و جهت تحلیل روابط متغیرها از آزمون کاندال (تا اوبی و تا اوسی) استفاده گردید.

## یافته‌های تحقیق

### الف) یافته‌های توصیفی:

#### ویژگی‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان:

همان‌طور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، از نظر قومیت، ۶۵ / ۵ درصد از پاسخ‌گویان فارس، ۱۷ / ۵ درصد از آن‌ها کرد، ۱۲ / ۳ درصد ترک و ۴ / ۷ درصد لر بوده‌اند. از نظر تأهل همان‌طور که انتظار می‌رود، اکثریت پاسخ‌گویان مجرد (۹۰ / ۱ درصد) و فقط ۹ / ۹ درصد از آن‌ها متأهل بودند. مذهب ۹۰ / ۱ درصد از پاسخ‌گویان شیعه، ۸ / ۲ درصد سنی، ۱ / ۷ درصد سایر موارد بوده است.

1 . Survey

2 . Cross.sectional

3 . Self.administrated Questionnaire

جدول ۰۱. ویژگی‌های زمینه‌ای پاسخ‌گوها

متغیر	طبقات پاسخ‌ها	درصد
قومیت	فارس	۶۵ / ۵
	کرد	۱۷ / ۵
	ترک	۱۲ / ۳
	لر	۴ / ۷
وضعیت تأهل	مجرد	۹۰ / ۱
	متاهل	۹ / ۹
مذهب	شیعه	۹۰ / ۱
	سنی	۸ / ۲
	سایر موارد	۱ / ۷

### میزان گرایش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی:

همان گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، میزان گرایش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی در سطح بالایی قرار دارد؛ بدین ترتیب که درصد اندکی از پاسخ‌گوها (یعنی فقط ۹ / ۹ درصد) گرایش بسیار پایینی نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی دارند. این مقدار هرچه به سمت موافقت نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی حرکت می‌کنیم، افزوده می‌شود. اکثر پاسخ‌گوها (۴۶ / ۲ درصد) گرایش بالا و بسیار بالایی نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی را ابراز داشته‌اند. این امر حاکی از آن است که زنان جامعه ما با وجود این که موقعیت مساکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی را ندارند؛ اما گرایش نسبتاً بالایی به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی دارند.

همچنین ممکن است یکی از دلایل گرایش بالای زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی تأثیری باشد که جنبش‌های حمایت از حقوق زنان در سطح جامعه بر جای گذاشته‌اند. بدین ترتیب که زنان به دنبال استیفای حقوق خود در تمامی حوزه‌ها، خواهان هموار شدن مسیر مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی هستند.

جدول ۲. میزان گرایش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی

مؤلفه	میزان	بسیار پایین	پایین	بینابین	زیاد	بسیار زیاد	جمع کل
میزان گرایش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی	۹.۹٪	۵.۱۷	۳.۲۶	۷.۲۵	۵.۲۰	۱۰۰.۰٪	

### میزان نگرش عامیانه نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان:

جدول شماره ۳ میزان نگرش عامیانه پاسخ‌گوها نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول، حکایت از آن دارد که اکثر زنان مورد مطالعه، نگرش عامیانه شدیدی نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان دارند و این امر ممکن است به دلیل عدم حضور تبیین‌های علمی و پزشکی در مورد فعالیت‌های ورزشی زن‌ها باشد. نگرش‌های عامیانه از جمله موانع بسیار مهمی است که از فعالیت زنان در فعالیت‌های ورزشی جلوگیری به عمل می‌آورد. رفع این مانع از طریق دعوت به مشارکت آن‌ها از سوی فراسیون‌های ورزشی و رسانه‌های جمعی ممکن می‌باشد.

جدول ۳. میزان نگرش عامیانه نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان

مؤلفه	میزان	کم	بینابین	شدید	جمع کل
میزان نگرش عامیانه نسبت به فعالیت‌های ورزشی زنان	۲.۱٪	۴.۱۶	۵.۸۲	۱۰۰.۰٪	

### میزان پدرسالاری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان دینداری:

جدول شماره ۴ میزان پدرسالاری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان دینداری پاسخ‌گوها را نشان می‌دهد. داده‌های این جدول، نشان‌دهنده آن است که میزان پدرسالاری در میان خانواده‌های جمعیت مورد مطالعه در سطح متوسطی بوده است؛ اما باین وجود میزان قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها (۲۰/۵ درصد) ابراز کرده‌اند که پدرسالاری در سطح خانواده آن‌ها در سطح بالایی است که با توجه به در حال گذار بودن جامعه ما از سنتی به مدرنیته پدیده‌ای مورد انتظار است. در مورد پایگاه اجتماعی - اقتصادی هم همان گونه که در جدول مذکور مشاهده می‌شود اکثریت پاسخ‌گویان دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسطی هستند و بعد از آن هم پایگاه اکثر آنان در سطح پایینی قرار دارد. و نهایتاً اکثریت پاسخ‌گویان (۸۸/۳ درصد) دارای میزان دینداری بالایی هستند و سطح دینداری تنها ۱/۸ درصد از پاسخ‌گوها در سطح پایینی بوده است.

جدول ۴. میزان پدرسالاری، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و و میزان دینداری

مؤلفه میزان	کم	متوسط	زیاد	جمع کل
میزان پدرسالاری	۹/۴٪	۶۵/۵	۲۰/۵	۱۰۰٪
میزان پایگاه اقتصادی - اجتماعی	۳۴/۵	۵۸/۵	۷/۰	۱۰۰٪
میزان دینداری	۱/۸	۹/۹	۸۸/۳	۱۰۰٪

### (ب) نتایج تحلیلی (آزمون فرضیات):

**فرضیه اول:** هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان بالاتر باشد، مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی بیشتر است.

همان طور که در جدول شماره پنج مشاهده می‌کنیم آزمون فرضیه، نشان‌دهنده آن است که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و نگرش نسبت به مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی رابطه‌ای مثبت وجود دارد و این رابطه در سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید می‌شود. بدین معنی که هرچه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، نگرش آن‌ها نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی نیز بیشتر است. جدول ۵. نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی

ضریب همبستگی تا اوسی کندال	سطح معناداری	
۰/۱۷۲	۰/۰۰۶	شاخص نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی

این امر، مؤید نظریه نابرابری جنسی است که بنا بر آن زنان به دلیل این که پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند، در بسیاری از فعالیت‌ها نمی‌توانند شرکت کنند. در این نظریه بر موقعیت‌های نابرابر زنان اشاره می‌شود. برای واضح شدن رابطه بین این دو متغیر جدول تقاطعی رابطه بین آن دو در جدول شماره ۶ آورده شده است که داده‌های این جدول حکایت از آن دارد که اکثریت زنانی که دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالایی (۷۵ درصد از آن‌ها) هستند به میزان زیادی دارای نگرش مثبت نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی هستند.

جدول ۶. جدول تقاطعی نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب پایگاه اقتصادی - اجتماعی

جمع کل	نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی					پایگاه اجتماعی - اقتصادی
	بسیار مخالف	بسیار موافق	بینابین	مخالف	موافق	
/۰	۱۵ /۳	۲۳ /۷	۲۰ /۳	۲۲ /۰	۱۸ /۶	پایین
/۰	۲۴ /۰	۲۳ /۰	۳۱ /۰	۱۶ /۰	۶ /۰	متوسط
/۰	۱۶ /۷	۵۸ /۳	۱۶ /۷	۸ /۳	۰ /۰	بالا
جمع کل /۰ ۱۰۰	۲۰ /۵	۲۵ /۷	۲۶ /۳	۱۷ /۵	۹ /۹	

**فرضیه دوم:** هرچه میزان باور به نگرش‌های عامیانه در ارتباط با ورزش زنان بیشتر باشد، مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی کمتر است.

در مورد این فرضیه همان گونه که در جدول شماره ۷ دیده می‌شود، نتایج حاکی از این است که بین این دو متغیر رابطه‌ای منفی وجود دارد که شدت این رابطه در سطح متوسطی بوده است و فرضیه مذکور در سطح معناداری ۰/۰۱ . معنادار است.

جدول ۷. نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب باور به نگرش عامیانه

سطح معناداری	ضریب همبستگی تا او بی کندال	شاخص نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی
۰ /۰۰۰	۰ /۳۳۴	

نتیجه مشاهده شده در ارتباط با تأیید نظریه یادگیری اجتماعی است. بدین معنی که یادگیری نقش‌های جنسیتی که نخست از طریق مشاهده و سپس از راه تقلید صورت گرفته است، به شیوه‌ای بنیادی در ذهن افراد جامعه نقش بسته و از شکستن تصورات قالبی مبنی بر مضر بودن ورزش برای زنان جلوگیری می‌کند. در همین راستا کسانی که نگرش عامیانه آن‌ها، بسیار زیاد است، نسبت به حضور زنان در ورزشگاه فوتبال به عنوان تماشاچی بسیار مخالف‌اند؛ یعنی، نقش‌های جنسی مورد نظر جامعه از طریق یادگیری و تقلید در افراد به خوبی درونی شده است. در ادامه برای فهم بهتر رابطه بین این دو متغیر جدول تقاطعی آن‌ها (جدول شماره ۸) نیز ترسیم شده است.

جدول ۸. جدول تقاطعی نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب باورهای عامیانه

جمع کل	نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی						
	بسیار مخالف	بسیار موافق	مخالف	بینابین	موافق		
۱۰	۲۹ / ۴	۲۹ / ۴	۲۱ / ۶	۱۵ / ۷	۳ / ۹	بسیار کم	نگرش عامیانه نسبت به ورزش
۱۰	۲۵ / ۰	۲۲ / ۴	۳۲ / ۹	۱۴ / ۵	۵ / ۳	کم	
۱۰	۳ / ۶	۳۵ / ۷	۱۷ / ۹	۱۷ / ۹	۲۵ / ۰	متوسط	
۱۰	۰ / ۰	۱۸ / ۲	۲۷ / ۳	۴۵ / ۵	۹ / ۱	زیاد	
۱۰	۰ / ۰	۰ / ۰	۲۰ / ۰	۲۰ / ۰	۶۰ / ۰	بسیار زیاد	
۱۰۰	۲۰ / ۵	۲۵ / ۷	۲۶ / ۳	۱۷ / ۵	۹ / ۹	جمع کل	

**فرضیه سوم:** هرچه زنان مذهبی‌تر باشند، مشارکت آن‌ها در ورزش به عنوان تماشاچی کمتر است. چنانکه در جدول شماره ۹ دیده می‌شود، رابطه بین دو متغیر فوق رابطه معناداری است و فرضیه مورد نظر تأیید شده است بدین معنی که هرچه افراد دیندارتر باشند، نسبت به حضور زنان در ورزشگاه مخالفت بیشتری دارند. و این امر ناشی از این است که مذهب به عنوان یک عامل کنترل‌کننده درونی، نقش بسیار زیادی در نگرش افراد جامعه و به خصوص زنان دارد.

جدول ۹. نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب میزان دینداری

سطح معناداری	ضریب همبستگی تا او سی کندال	
۰ / ۰۰۱	۰ / ۱۳۲	شاخص نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی

در ادامه برای روشن‌تر شدن رابطه بین میزان دینداری و گرایش نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی جدول تقاطعی آن‌ها (جدول شماره ۱۰) ترسیم شده است. داده‌های این جدول، نشان‌دهنده آن است که تمامی پاسخ‌گویانی که از دینداری پایینی برخوردار بوده‌اند، با مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی موافق بوده‌اند و این در حالی است که حدود یک سوم (۳۰ / ۵ درصد) از پاسخ‌گویانی که از دینداری بالایی برخوردار بوده‌اند با مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی مخالف بوده‌اند.



جدول ۱۰. جدول تقاطعی نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب میزان دینداری

جمع کل	نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی					
	بسیار مخالف	مخالف	بینابین	موافق	بسیار موافق	
۱۰۰ / ۰	۰ / ۰	۱۰۰ / ۰	۰ / ۰	۰ / ۰	۰ / ۰	پایین
۱۰۰ / ۰	۴۷ / ۱	۲۹ / ۴	۱۷ / ۶	۰ / ۰	۵ / ۹	متوسط
۱۰۰ / ۰	۱۷ / ۹	۲۳ / ۸	۲۷ / ۸	۱۹ / ۹	۱۰ / ۶	بالا
۱۰۰ / ۰	۲۰ / ۵	۲۵ / ۷	۲۶ / ۳	۱۷ / ۵	۹ / ۹	جمع کل

**فرضیه چهارم:** هرچه خانواده مردسالارتر باشد، مشارکت زنان در ورزش به عنوان تماشاچی کمتر است. آزمون فرضیه در مورد رابطه بین میزان مردسالاری و نگرش نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی نشان داده است که رابطه‌ای بین این دو متغیر وجود ندارد (جدول شماره ۱۱).

جدول ۱۱. نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب میزان پدرسالاری

سطح معناداری	ضریب همبستگی تا او سی کندال	
۰ / ۴۴۷	۰ / ۰۴۹	شاخص نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی

احتمالاً یکی از دلایلی که می‌تواند منجر به چنین نتیجه‌ای شده باشد، این امر است که چون پرسش نامه‌ها به پاسخ‌گویان داده شده بود، به دلیل حضور سایر دوستانشان در اتاق بنا به دلایلی از قبیل احساس شرمساری از مردسالاری حاکم بر خانواده، از انتخاب گزینه‌های مربوط به مردسالاری خودداری کرده باشند. به طور کلی، نتیجه این تحقیق در تضاد با نظریه ستمگری جنسیتی است. در ادامه برای وضوح بخشیدن به رابطه بین دو متغیر مذکور جدول تقاطعی این دو (جدول شماره ۱۲) ترسیم گردیده است.

جدول. جدول تقاطعی نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی بر حسب میزان پدرسالاری

جمع کل	نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاچی						
	بسیار مخالف	بسیار موافق	مخالف	بینابین	موافق		
۱۰۰ / ۰	۱۲ / ۵	۳۱ / ۳	۲۵ / ۰	۶ / ۳	۲۵ / ۰ %	کم	میزان مردسالاری در خانواده
۱۰۰ / ۰	۱۹ / ۶	۲۵ / ۹	۲۷ / ۷	۱۹ / ۶	۷ / ۱	متوسط	
۱۰۰ / ۰	۲۲ / ۹	۲۸ / ۶	۲۲ / ۹	۱۴ / ۳	۱۱ / ۴	زیاد	
۱۰۰ / ۰	۱۹ / ۶	۲۷ / ۰	۲۶ / ۴	۱۷ / ۲	۹ / ۸	جمع کل	

### نتیجه‌گیری

در پرداختن به ابعاد گوناگون ورزش و تبیین مشکلات آن، توجه به مسائل و مشکلات ورزش زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه با برطرف شدن موانع و مشکلات موجود در مسیر ورزش زنان می‌توان منتظر افتخارآفرینی بانوان این مرز و بوم در کنار مردان بود.

در فرهنگ ملی ایران، بسیاری از گفتارها و رفتارهایی که در زمان عدم حضور زنان عادی قلمداد می‌شود، در جمعی که زنان حاضر باشند با احتیاط و حتی خودداری افراد همراه می‌شود. حجب و حیای مردان در حضور زنان، ویژگی عرفی - ملی ایرانیان است که از آن می‌توان با عنوان شرم فرهنگی و ارزشی نام برد. یافته‌های تحقیق حاضر حکایت از این مسئله دارد که حضور زنان در جایگاه تماشاچیان - به احتمال بسیار - مانع از بروز برخی از رفتارها و گفتارهای غیر اخلاقی مردان خواهد شد. اگر چه آزمایش این نظریه دشوار به نظر می‌رسد، گذشتن از آن نیز آسان نیست. متأسفانه امروزه در برخی از مسابقات - به ویژه فوتبال - استفاده از کلمات بسیار زشت و ناسزاهای رکیک، عادی و معمولی شده است، به نحوی که گاهی چند هزار تماشاچی حتی برای مدتی بیش از چند دقیقه، مستهجن‌ترین کلمات را به کار می‌برند (۱۳ و ۱۴). آیا این رفتار در حضور چند هزار خانم نیز تکرار خواهد شد؟ آیا اگر از قبل به تماشاچیان تذکر داده شود که خواننده‌ها و بانوان نیز حضور دارند، باز هم با همین شدت به این رفتارهای ناپسند و غیر اخلاقی ادامه داده خواهد شد؟ در این مسیر موانعی نیز وجود دارند که باید برطرف شوند. مهم‌ترین مانع را نامناسب بودن زمان حاضر می‌دانند. شاید بتوان گفت برای حضور تماشاچیان زن در ورزشگاه‌ها به زمان بیشتری نیاز داریم. به نظر می‌رسد این زمان باید مصرف رشد فرهنگی - اجتماعی مردم شود تا به مرتبه‌ای برسند که فضای ورزشگاه‌ها از نظر فرهنگی برای زنان امن باشد (۸۷و۸۸).

این نامی در جاهایی چون وسایل نقلیه گروهی، جاده‌ها، پارک‌ها و برخی تفریحگاه‌ها نیز وجود دارد. از این رو این مسأله به ذات و ماهیت ورزش باز نمی‌گردد (۱۰ و ۹). آزار و اذیت زنان در بسیاری از کشورها معضلی اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود، اما با بررسی بسیاری از جوامع ملاحظه می‌شود که رشد فرهنگی و اخلاقی پایه اصلی امنیت زنان در جامعه است (۵).

در ایران نیز این عارضه فرهنگی وجود دارد که اگرچه ریشه‌یابی آن از عهده‌این نوشتار خارج است، دست‌کم می‌توان به این موضوع اشاره کرد که شدت ناامنی زنان در جوامع سنتی‌تر و دینی‌تر مانند روستاها و شهرهای کوچک، کمتر از شهرهای بزرگ است. این مسأله، گذشته از این که از دست‌خوردگی فرهنگ ملی و دین‌ایرانیان شهرنشین حکایت دارد، به لحاظ تعیین راهبردها و رویه‌های مورد نظر نیز ضرورت قائل شدن به تفاوت میان شهرهای بزرگ و کوچک را آشکار می‌سازد (۱۱ و ۱۲). به بیان روشن‌تر، شاید بهتر باشد مسأله حضور تماشاچیان زن را ابتدا از شهرهای کوچک‌تر و آماده‌تر آغاز کرد. به هر حال این مسأله به تحقق رشد فرهنگی و اجتماعی مردم وابسته است.

تحقیق حاضر که به بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی پرداخته است، چهار متغیر پایگاه اقتصادی اجتماعی، نگرش‌های عامیانه در ارتباط با ورزش، میزان مردسالاری حاکم بر آن‌ها و میزان دینداری را در ارتباط با نگرش زنان نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی قرار داده است. قابل ذکر است که هر کدام از متغیرهای فوق به ترتیب از نظریه‌های نابرابری جنسی، یادگیری اجتماعی، و ستمگری جنسیتی اقتباس شده‌اند و متغیر دینداری نیز به عنوان یک متغیر زمینه‌ای در نظر گرفته شده است.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و نگرش نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛ بدین معنی که می‌توان با رساندن اکثریت جامعه به سطح طبقه متوسط زمینه مشارکت فعالانه زنان در امور ورزشی را فراهم کرد. در مورد مذهبی بودن هم نتیجه حاکی از این است که هرچه افراد دیندارتر باشند نسبت به مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی مخالفت بیشتری را نشان می‌دهند. همچنین، بین نگرش عامیانه به ورزش و گرایش نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی رابطه‌ای منفی و متوسط وجود دارد؛ بدین معنی که باورهای عامیانه در مورد ورزش زنان و ضررهای ناشی از آن، مانعی مهم بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی تلقی می‌شود. آموزش محصلان در دوره‌های مختلف تحصیلی درباره فواید ورزش زنان و تلاش در جهت زدودن باورهای خرافی از چهره ورزش بانوان می‌تواند درگاهی برای از بین بردن نگرش‌های غیر علمی در این باره باشد. به طرز تعجب برانگیزی نتایج این تحقیق هیچ‌گونه رابطه‌ای را میان میزان پدرسالاری در خانواده و گرایش نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به عنوان تماشاچی نشان نداده است. ممکن است که عدم تأیید این فرضیه بدین دلیل بوده باشد که افراد نمونه پرسش‌نامه‌ها را در داخل اتاق‌ها در خوابگاه تکمیل نموده‌اند و به دلیل شرمساری از پدرسالاری حاکم در خانواده‌هایشان به سوالات مربوط به این مقیاس به درستی پاسخ نداده‌اند.

تحقیقات انجام‌شده در مقایسه با تحقیق حاضر احسانی و شادی طلب (۱۷، ۱۶)، هاوزز، اروین، کای (۱۸، ۱۹، ۲۰) نشان‌دهنده آن است که اکثریت آن‌ها توصیفی بوده‌اند و میزان مشارکت زنان را در فعالیت‌های ورزشی مورد بررسی قرار داده‌اند. فقدان تحلیلی جامعه‌شناسانه از ورزش زنان و مسائل و مشکلات پیش روی آن در اغلب این کارها احساس می‌شود، در همین راستا در تحقیق حاضر عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به مشارکت در ورزش به عنوان تماشاجی را مورد واکاوی قرار داده است.

در پایان باید ذکر کرد که توجه به نتایج تحقیق حاضر در برطرف کردن موانع موجود بر سر راه مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی قابل ملاحظه است. بدین ترتیب که با فراهم آوردن شرایط فیزیکی (ایجاد و گسترش اماکن ورزشی) و غیر فیزیکی (آموزش افراد جامعه مبتنی بر برابر بودن زن و مرد) مورد نیاز و رعایت دقیق ضوابط قانونی و احترام به ارزش‌های والای اسلامی و اخلاقی، دختران و زنان از آنچه طالب آند، و شاید حق آنان است، محروم نشوند و ارزش‌های تربیتی و بهداشتی اجتماعی ورزش (۱۵، ۱۴) در جامعه ارتقا یابد و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزش را تضمین گردد.

## منابع

۱. شیخی، حمیدرضا، (۱۳۸۱) ورزش و جامعه، انتشارات سمت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی،
۲. احسانی، محمد، (۱۳۸۲) مدیریت معاصر در ورزش، سازمان تربیت بدنی، مرکز ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور.
۳. قراخلو، رضا، نیسیان، فریده، (۱۳۸۶) بررسی نگرش اقشار مختلف درباره حضور تماشاچیان زن در میدان‌ها و رقابت‌های ورزشی مردان، پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۷، صص ۳۳-۵۰.
۴. دواس، دی‌ای (۱۳۸۳): پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
۵. انورالخولی، امین (۱۳۸۱): "ورزش و جامعه"، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: انتشارات سمت.
۶. ریتزر، جورج (۱۳۸۵): "نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر"، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی
۷. سراج زاده، سید حسین و توکلی، مهناز (۱۳۸۰): "بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی". نامه پژوهش شماره ۲۰ و ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۰
۸. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰): "تعهد مذهبی و تعلق مذهبی". نامه پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، صص ۲۲-۳.
۹. فرانکفورد، چاوا؛ نجمیاس، دیوید (۱۳۸۱): روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
۱۰. گرت، استفانی (۱۳۸۲): "جامعه‌شناسی جنسیت"، ترجمه کتابیون بقایی.
۱۱. احسانی، محمد (۱۳۸۴): "سطح مشارکت ورزش بانوان در ایران و عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی". مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲ (۳)، صص ۲۷-۱۵.

۱۲. اله وردی، (۱۳۸۰) جزایر اقتصاد ورزشی، انتشارات علم و ورزش،
۱۳. روزنامه آفرینش، ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۸۱، روزنامه جهان فوتبال، ۳۰ / ۱۵ / ۱۳۸۱، روزنامه همشهری، ۱۹ / ۰۷ / ۱۳۸۲
۱۴. نمازی‌زاده، مهدی، سلحشور، بهمن، (۱۳۷۲) تربیت بدنی عمومی، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. نمازی‌زاده، مهدی، سلحشور، بهمن، (۱۳۶۷) تربیت بدنی عمومی، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. احسانی، محمد (۱۳۸۴): «سطح مشارکت ورزش بانوان در ایران و عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی». مجله علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲ (۳)، صص ۲۷-۱۵.
۱۷. شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۲): «مشارکت اجتماعی زنان». پژوهش زنان دوره ۱، سال سوم، شماره ۷، ۱۴۱-۷۶.
18. Houzer, Shirley (2002): "cultural influences on the participation of girls and women in sport and physical education". <http://www.utm.edu/staff/edwebdb/culture.html>
19. Irvine, Mairi (2007): "women still under-represented in sporting roles" [www.ukssport.gov.uk](http://www.ukssport.gov.uk).
20. Kay, Tess (2006): "daughters of Islam: family influences on muslim young women's participation in sport". International Review for the Sociology of Sport, Vol. 41, No. 3\_4, 357\_373

